

## **Analytical Assessment of the Viewpoint of the Criminal Immunity (Legal Punishments) of Criminals Who Take Refuge in Holy Shrines<sup>1</sup>**

**Mostafa Amiri**

Phd student at Razavi University Of Islamic Sciences & Instructor of Advanced  
Level Studies of Khorasan Seminary; mostafaamiri993@gmail.com

**Mohammad Emami** 

Associate Professor of Islamic Razavi University Of Islamic Sciences;  
dr.imami@razavi.ac.ir

**Mohammad-Hasan Qasemi**

Assistant Professor at Razavi University Of Islamic Sciences & Instructor of  
Advanced Level Studies of Khorasan Seminary;  
ghsemimohammadhasan@yahoo.com

**Mohammad-Ali Vatandoost**

Assistant Professor at Department of Islamic Philosophy and Wisdom of Ferdowsi  
University of Mashhad & Instructor of Advanced Level Studies of Mashhad  
Seminary; ma.vatandoost@um.ac.ir

---

Receiving Date: 2022-12-27; Approval Date: 2023/03/26

---

### ***Abstract***

According to the opinion of well-known jurists, a criminal who commits a crime outside the Sacred Mosque (Masjid al-Haram) in

---

1. *Emami. M.; (2024): “ Analytical Assessment of the Viewpoint of the Criminal Immunity (Legal Punishments) of Criminals Who Take Refuge in Holy Shrines” ; Jostar\_ Hay Fihi va Usuli; Vol: 9; No: 33; Page: 69-102; doi: 10.22034/jrj.2022.61981.2350*

© 2023, Author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. No permission is required from the authors or the publishers.

Makkah and then takes refuge in this holy place, is subject to Islamic treatment and is immune from punishment as long as he/she resides in the holy shrine. The important question is raised whether it is possible to extend the ruling of “criminal immunity for criminals who reside in the Sacred Mosque” to other holy shrines as well or not. In response to that, some jurists consider holy shrines to be the same as the Sacred Mosque and cite four reasons to prove their claims, but another group does not accept the association of other holy shrines with the Sacred Mosque. In this regard, they citing to this evidence that “there is no special reason” and “adhering to the principle.” Using the descriptive-analytical method and with a critical approach, this study strengthens the second group’s point of view and analyses and criticizes the first group’s point of view. Therefore, in the end, the conclusion has been reached that the view of the second group is correct. But, if the immunity of criminals who take refuge in the Sacred Mosque is based on the security of the shrine, as the religious texts clearly state this matter, due to the existence of a special text (*naṣṣ*) regarding the security of the Holy Shrine of Imām al-Ḥusayn’s (‘a), only this holy shrine can be associated with the Sacred Mosque and not the other holy shrines.

**Keywords:** Holy Shrines, Sacred Mosque, immunity of criminals, refugee criminals, implementation of *ḥudūd*, Holy Shrine of *Imām Ḥusayn* (‘A).

# ارزیابی تحلیلی دیدگاه «مصونیت کیفری (حدود) مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه»<sup>۱</sup>

مصطفی امیری

دانشجوی دکتری دانشگاه علوم اسلامی رضوی و استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان؛ مشهد-ایران:  
mostafaamiri993@gmail.com

محمد امامی 

دانشیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ مشهد-ایران (نویسنده مسئول) dr.imami@razavi.ac.ir

محمد حسن قاسمی

استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی؛ مشهد-ایران: ghsemimohammadhasan@yahoo.com

محمد علی وطن دوست

استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد و استاد سطوح عالی حوزه علمیه خراسان؛ مشهد-ایران:  
ma.vatandoost@um.ac.ir



ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۷۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۶

## چکیده

بر اساس دیدگاه مشهور فقها، مجرمی که در خارج از حرم مکی دچار خطا شده و به این مکان مقدس پناهنده شود، مشمول رأفت اسلامی قرار می‌گیرد و تا زمانی که در حرم ساکن است، از مجازات مصونیت می‌یابد. با توجه به این که مشاهد مشرفه در برخی از احکام همانند حرم مکی هستند و از دیگر سوی تاخیر در اجرای حدود روا و نمی‌باشد این مسئله رخ می‌نماید که آیا می‌توان حکم «مصونیت کیفری مجرمان ساکن حرم» را به

۱. امامی، محمد و دیگران. (۱۴۰۲). ارزیابی تحلیلی دیدگاه «مصونیت کیفری (حدود) مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه». فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی. ۹ (۳۳). صص: ۶۹-۱۰۲.

مشاهد مشرفه نیز سرایت داد یا خیر؟ برخی از فقها مشاهد مشرفه را همانند حرم می‌دانند و برای اثبات ادعای خود چهار دلیل ذکر می‌کنند ولی گروهی دیگر آن را نمی‌پذیرند و در این باره به «نبود دلیل خاص» و نیز «تمسک به اصل» استناد می‌نمایند. در جستار حاضر به شیوه توصیفی-تحلیلی و با رویکردی انتقادی، مسئله مورد بازکاوی قرار گرفته و با توجه به نقدهای وارد بر دیدگاه نخست، دیدگاه دوم تأیید شده و در پایان این نتیجه به دست آمده است که دیدگاه گروه دوم (عدم الحاق) صحیح است ولی اگر مصونیت مجرمان پناهنده به حرم، بر اساس امنیت حرم باشد؛ چنان که نصوص دینی بر این امر تصریح دارند، به دلیل وجود نص خاص در مورد امنیت حرم امام حسین علیه السلام، از بین مشاهد مشرفه، تنها این حرم مقدس را می‌توان به حرم مکی ملحق نمود.

**کلیدواژه‌ها:** مشاهد مشرفه، حرم مکی، مصونیت مجرمان، مجرمان پناهنده، اجرای حدود، حرم سیدالشهدا علیه السلام.

## مقدمه

یکی از مشکلات جامعه بشری که به شدت روح و روان آحاد جامعه را آزرده، بزهکاری افرادی است که به سبب عوامل اقتصادی، تربیتی و ... مرتکب جرم می‌شوند. هر یک از این تخلفات به نوعی، آرامش فکری جامعه را هدف قرار می‌دهد و آسیب‌های جدی را در پی خواهد داشت. بی شک، قانون‌گذار اسلام به عنوان یک آیین جامع، از توجه به این آسیب‌ها غفلت نکرده و قوانین حکیمانه و دقیقی به منظور جلوگیری از این اعمال مجرمانه، در قالب حدود، تعزیرات، قصاص و دیات، جعل نموده است.

بر اساس این آموزه‌ها و دیدگاه مشهور فقها، در صورتی که مجرمی در خارج از حرم مکی دچار خطایی شود، سپس به حرم پناهنده شود، از حکمی خاص برخوردار است و تا زمانی که در آن مکان مقدس ساکن است، حدی بر وی جاری نمی‌شود، بلکه بایستی با سخت‌گیری بر وی در خوراک و معاملات، به خارج از حرم هدایت شود و سپس بیرون از حرم، حدود تعیین شده بر وی اجرا شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲۲۷/۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۶/۱۳). از دیگر سوی مشاهد مشرفه در بسیاری از احکام با حرم مکی اشتراک دارند. در نتیجه این مشکل بروز می‌کند که با توجه به عدم جواز

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲

۷۲

تعطیل یا تأخیر در اجرای حد آیا مصونیت کیفری گفته شده، حکمی اختصاصی برای مجرمان پناهنده به حرم مکی محسوب می شود یا حق تعدی از آن، به مشاهد مشرفه نیز وجود دارد؟ به دیگر سخن، آیا مشاهد مشرفه در حکم فوق الذکر، به حرم مکی ملحق می شوند یا خیر؟

شایان ذکر است هرچند فقها نسبت به بحث مجرمان پناهنده به حرم به صورت تفصیلی سخن گفته اند ولی پیرامون پژوهش حاضر، با نگاهی مختصر و بسیار اجمالی، به ذکر الحاق مشاهد مشرفه به حرم یا عدم الحاق آن بسنده کرده اند (علامه حلی، ۱۴۲۰ق، ۳۲۴/۵؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ۲۵۴/۸؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۳۲۲/۱۵؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۴۲۵/۷؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸ق، ۱۸۶/۷). از این روی شایسته است در مورد دیدگاه فقهای اسلام پیرامون مصونیت کیفری مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه، پژوهشی تفصیلی صورت گیرد.

در پیشینه این بحث تنها پژوهشی که نزدیک به جستار حاضر است مقاله ای است با عنوان «مبانی و دلایل الحاق مشاهد مشرفه به حرم در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم» که در شماره چهارم نشریه فقه و اصول دانشگاه فردوسی مشهد به رشته تحریر درآمده است (سلمان علیان لله مرزی، محمدصادق علمی و محمدحسن حائری، ۱۳۹۹). اما بین جستار حاضر و پژوهش یادشده این تفاوت اساسی وجود دارد که مسئله جستار حاضر عبارت است از «الحاق یا عدم الحاق مشاهد مشرفه به حرم مکی در عدم اجرای حدود» ولی در مقاله یادشده «الحاق مشاهد مشرفه به حرم مکی» در مورد تغلیظ دیه مسلم دانسته شده و مبانی آن در بین فقهای امامیه، موردبررسی قرار گرفته است؛ از این رو، نمی توان پژوهش حاضر را تکرار آن دانست. افزون بر موارد یادشده، «تطبیقی و مقارنه ای بودن» و نیز «نقد و ارزیابی دلایل دیدگاه مشهور» را می توان از دیگر نوآوری های جستار پیش رو دانست.

## ۱. مفاهیم

یافتن پاسخ سؤال اصلی پژوهش، در گرو درک صحیح از عناصر مهم و مورد نیاز تحقیق است، همچنین باید مشخص گردد که مراد نویسنده از هر یک از واژگان

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۷۳

اختصاصی که به کار می‌برد چیست. از این رو، در آغاز پژوهش به‌طور خلاصه، مفاهیم مورد اشاره قرار می‌گیرد.

## ۱/۱. مصونیت

در لغت، واژه «مصونیت» به معنای محفوظ بودن و حفظ شدن آمده است (فیومی، بی‌تا، ۳۵۲/۲) و در اصطلاح مباحث حقوقی و قضایی، به وضع مخصوصی گفته می‌شود که دارنده آن از تعرض معاف و محفوظ است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۶۵۷)؛ بنابراین در پژوهش کنونی، ایمن بودن مجرم از مجازات مراد خواهد بود که بر اساس آن، به جهت جرم ارتكابی، عقوبتی بر وی اجرا نمی‌شود.

## ۱/۲. جرم

بیشتر واژه‌شناسان، «جرم» را معادل «مطلق گناه» دانسته‌اند (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۱/۱۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹۱/۱۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۱۱۹/۶). برخی نیز گناه را به غلیظ بودن مقید نموده‌اند (محمود عبدالرحمان، بی‌تا، ۵۹/۱). گروهی نیز «انقطاع از حق»، «باطل»، «تعدي کردن»، «بزه» و ... را از دیگر معانی واژه جرم شمرده‌اند (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ۱۰۵/۱۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۹۱/۱۲).

جستارهای  
فقهی و اصولی  
سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲  
۷۴

از آنجا که دو پدیده «جرم» و «مجازات» پیوسته با یکدیگر به کار می‌رود و باید باهم تناسب داشته باشند، بار معنایی «جرم» بیشتر جنبه حقوقی و اجتماعی پیدا می‌کند؛ بنابراین، در فقه عنوان «جرم» معنا نشده است؛ هرچند برخی در قالب تعریف فقهی، آن را مرادف با معصیت دانسته‌اند (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ۷۴/۳) اما از نظر حقوق دانان، «جرم، عملی است که قانون آن را از طریق تعیین کیفر، منع کرده است؛ خواه، جرم اجتماعی باشد یا سیاسی یا غیره» (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۴، ۱۹۱).

باید توجه داشت که مفهوم جرم در مقاله حاضر، همان ممنوعات شرعی بوده که خداوند متعال، به وسیله اجرای حدود یا تعزیرات، مردم را از ارتکاب آن بازداشته است.

### ۱/۳. مشاهد مشرفه

مَشَاهِدِ جَمْعِ مَشْهَدٍ و «مَشْهَدٌ» در لغت اسم زمان و مکان از «شهد، یشهد» است (زاغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۴۶۵: مشکینی، بی تا، ۴۹۳) و روشن است که در حال حاضر، اسم مکان از آن قصد شده و به «محل اجتماع و حضور مردم» معنا می شود (حمیری، ۱۴۲۰ق، ۳۵۶۲/۶: قرشی، ۱۴۱۲ق، ۷۷/۴: مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ۱۲۸/۶) و با پیوستن واژه «مشرفه (از ماده شَرَّفَ يَشْرِفُ)» به آن، معنای کامل تری به خود می گیرد؛ یعنی «محل اجتماعی که مورد احترام واقع شده است». عبارت «فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ» برای اذن دخول در حرم ائمه عليهم السلام، از همین معنا اخذ شده است.

«مشاهد مشرفه» که با عناوین دیگری چون «الاماكن المقدسه» (موسوی خمینی، ۱۴۲۵ق، ۱۶۵/۱)، «البقاع المقدسه» (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ۳۹۸/۱)، «المواضع المحترمه» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ۲۶۶/۴)، «عتبات المقدسه» (انصاری دزفولی، ۱۴۱۰ق، ۳۶۸/۵: السهلانی، ۱۳۸۷، ۲۰) و «الضرائح المقدسه» (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ۲۹۵/۵) شناخته می شود، فاقد حقیقت شرعی و حقیقت متشرعه است؛ از این رو برای روشن شدن هر چه بیشتر معنای آن بایستی به سخن فقهای مسلمان استناد شود. در ادامه به گونه ای اجمالی به دیدگاه فقیهان اهل تسنن و امامیه در این باره اشاره می شود.

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۷۵

### ۱/۳/۱. مشاهد مشرفه از دیدگاه اهل تسنن

مشاهد مشرفه در ادبیات فقهای اهل سنت، بسیار وسیع بوده و بر هر یک از بقاعی که احترام و تعظیم آن‌ها واجب است، اعم از مکه، مدینه، قبور انبیا، بقاع متبرکه خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله، امام زادگان و صالحین و بلکه صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله، واژه مشاهد مشرفه اطلاق می شود. مؤید این سخن، کتاب‌هایی است که با عنوان «المشاهد المشرفة» یا «عتبات المقدسه» تألیف شده و تمام اماکن متبرکه را جزو مشاهد مشرفه دانسته‌اند. از آن جمله می توان به کتاب‌های زیر اشاره نمود:

۱. کتاب «المشاهد المشرفة» نوشته السید حسین ابوسعیده؛
۲. کتاب «موسوعة العتبات المقدسة» نوشته جعفر الخلیلی؛
۳. کتاب «إعلام الساجد بأحكام المساجد»، نوشته بدرالدین زرکشی.

## ۲/۳/۱. مشاهد مشرفه از دیدگاه فقهای امامیه

در اصطلاح فقهای امامیه، دیدگاه‌های گوناگونی پیرامون «مشاهد مشرفه» بیان شده است؛ برخی مشاهد مشرفه را همان حرم معصومان علیهم‌السلام و بیوت مقدسه آن‌ها دانسته‌اند که قبور شریفشان را در برگرفته است (مشکینی، بی تا، ۴۹۳؛ وجدانی فخر، ۱۴۲۶ق، ۳/۳۶۳). گروهی دیگر، مشاهد مشرفه را با بیان نمودن مصادیقی چون «نجف اشرف، کربلا، کاظمین، سامرا و مشهد» تعریف کرده‌اند (انصاری دزفولی، ۱۴۱۰ق، ۵/۳۶۸؛ مشکینی، بی تا، ۴۹۳؛ حسینی روحانی، بی تا، ۱/۷۷). البته شهید ثانی افزون بر موارد یادشده، مدینه را نیز از مشاهد مشرفه دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۲/۱۷۳) آیت الله بهجت از فقیهان معاصر نیز مشاهد مشرفه را چنین تعریف نموده است: «مشاهد مشرفه نبی و ائمه علیهم‌السلام؛ یعنی بلادی که قبر مقدس در آن‌ها است» (بهجت، ۱۴۲۶ق، ۵/۴۸۰).

برخی نیز مراد از مشاهد مشرفه را مقاماتی دانسته‌اند که «ضریح» نبی اکرم صلی الله علیه و آله و نیز ائمه معصومین علیهم‌السلام در آنجا قرار دارد؛ به دیگر سخن، همان «تحت قبه» به‌عنوان مشاهد مشرفه شناخته می‌شود (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۹۹؛ جزیری، غروی، یاسر مازح، ۱۴۱۹ق، ۱/۲۰۰). گروه چهارم، دایره مشاهد مشرفه را بسیار گسترده گرفته و مرقد حمزه و نیز شهدای اُحد را به‌عنوان مشاهد مشرفه معرفی کرده‌اند (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶ق، ۱۷۵). برخی از فقه پژوهان معاصر نیز، عرفه، منی و مشعر را از مشاهد مشرفه دانسته‌اند (محسنی، ۱۴۱۹ق، ۱۵۰).

بنابراین گرچه در تبیین مشاهد مشرفه اختلاف زیادی صورت گرفته است ولیکن موضوع بحث پژوهش کنونی، بر اساس قدرمتیقن از «مشاهد مشرفه»؛ یعنی با محوریت حرم ائمه معصومین علیهم‌السلام شکل گرفته است و یکی از شواهدی که می‌توان بر این امر اقامه نمود، کثرت استعمال «مشاهد مشرفه» در این اماکن است؛ چنان‌که در تعابیر اصطلاحی «مشاهد مشرفه» ملاحظه شد. هرچند تردیدی در شأن و جایگاه والای دیگر مکان‌ها وجود ندارد و هتک حرمت آن‌ها نیز به‌یقین حرام است (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ۱/۳۹۸).

البته ممکن است مکان شریفی مانند مسجدالنبی صلی الله علیه و آله به‌طور خاص مشمول احکامی باشند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۲۷۹/۹؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، تهذیب الاحکام، ۱۳/۶) به‌طوری‌که

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۷۶



در روایات و کتب فقهی، حدّ و حدودی نیز بر آن تعیین گردیده است (علامه حلّی، ۱۴۲۰ق، ۳۷/۲؛ فخرالمحققین حلّی، ۱۳۸۷، ۳۱۹/۱) اما این شمول حکم بر آن، نه از باب عنوان مشاهد مشرفه بلکه از باب احترام خاصی است که شارع مقدس بر آن روا داشته است.

#### ۱.۴. حرم

«حَرَم» در لغت به معنای «منع» آمده است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۴۵/۲) و ضد حلال شناخته می‌شود (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ۲۰۳/۲) از این جهت است که حرم مگّه را حرم نامیده‌اند؛ زیرا خیلی از چیزهایی که در غیر مگّه حرام نیست، خداوند [در آنجا] تحریم کرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۲۳۰؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ۳۵/۶).

در اصطلاح، «حرم» به گونه‌های مختلفی تبیین شده است؛ برخی «حرم» را مکانی دانسته‌اند که شکستن حرمت آن روا نبوده و هتک حلال نیست (عاملی، ۱۴۱۳ق، ۶۷؛ جَزّ، ۱۳۷۵، ۸۲۳/۱). در باور شهید صدر «حرم» منطقه‌ای است محیط بر مکانی که دارای اهمیت شرعی است (شهید صدر، ۱۴۲۰ق، ۲۴۱/۹). برخی از فقیهان امامی و واژه‌شناسان، اطلاق حرم را منصرف به حرم مکی دانسته‌اند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۴۵/۴۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۸۷/۲۹؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۲۲/۱۲؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ۲۲۱/۳).

مراد از حرم در این جستار محدوده‌ای در اطراف مسجدالحرام است که به فواصل مختلف از کعبه به وسیله علائمی مشخص گردیده و مورد اتفاق فقهای امامیه است (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۵۴/۱؛ ابن براج، ۱۴۰۶ق، ۲۲۰/۱؛ علامه حلّی، ۱۴۱۱ق، ۷۶؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ۴۲۹/۶). و در روایات عنوان «برید در برید» آمده است (طوسی، ۱۴۰۷، تهذیب الاحکام، ۳۸۱/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۵۵/۱۲).

#### ۲. مصونیت مجرمان پناهنده به حرم مکی و دلایل آن

از آنجایی که اثبات مصونیت مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه درگروی پذیرش مصونیت مجرمان پناهنده به حرم مکی است، بایستی در آغاز سخن، دلایل مصونیت مجرمان در حرم مکی تبیین گردد، سپس در مورد الحاق مشاهد به حرم، گفتگو شود.

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

درواقع، مصونیت کیفری این دسته از مجرمان، بر اساس نصوص دینی به اثبات رسیده است؛ در همین زمینه، روایتی وجود دارد که شیخ کلینی در کتاب کافی آن را از دو طریق نقل کرده است:

**طریق اول:** راوی گوید: از امام صادق علیه السلام از دیدگاه خداوند که فرموده است: «و من دخله کان آمناً» نسبت به مردی که در خارج از حرم جنایت می کند و به حرم پناه می برد، سؤال کردم. آیا حدّ بر او اقامه می شود؟ حضرت فرمودند: خیر، کسی نمی تواند او را در حرم اخذ نماید ولی از رفتن او به بازار جلوگیری می شود و از دادوستد منع شده و آب و غذا به او داده نمی شود و کسی با او سخن نمی گوید؛ هرگاه با او این گونه رفتار شود، به ناچار از حرم خارج شده و آنگاه حدّ بر او اقامه می شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۲۲۶).

**طریق دوم:** راوی گوید: از امام صادق علیه السلام از دیدگاه خداوند که فرموده است: «و من دخله کان آمناً» نسبت به مردی که در خارج از حرم سرقتی مرتکب شود یا جنایتی کند بعد به حرم پناه ببرد، سؤال کردم: آیا حدّ بر او اقامه می شود؟ حضرت فرمودند: خیر، تا زمانی که در حرم است، اخذ نمی شود ولی از رفتن او به بازار جلوگیری می شود و از دادوستد منع شده و کسی با او هم نشین نمی شود تا این که از حرم خارج شده و سپس گرفته می شود (کلینی، ۱۴۰۷، ۴/۲۲۷).

شایان ذکر است که گرچه ممکن است روایت دوم به جهت وجود «ابی حمزه بطائنی» دچار ضعف سندی باشد ولی سند روایت نخست، از درجه اعتبار بالایی برخوردار است؛ زیرا وجود راویان امامی و وثاقتی که پیرامون آنان بیان شده است، بدون تردید، موجب صحیح بودن سند این روایت می شود؛ چرا که راوی اخیر آن «علی بن ابراهیم بن هاشم» است که از نظر عالمان رجالی، ثقه در حدیث، معتمد و صحیح المذهب است (نجاشی، ۱۴۰۷، ۲۶۰). افزون بر این، شیخ کلینی بیش از چهار هزار حدیث از او در کتاب شریف کافی روایت کرده است (کلینی، ۱۴۲۹، ۱/۵۲).

دیگر راوی موجود در این سند «ابراهیم بن هاشم قمی»، پدر علی بن ابراهیم و از شاگردان یونس بن عبدالرحمن بوده که امام رضا علیه السلام را ملاقات نموده است (طوسی، ۱۴۲۷، ۳۵۳؛ طوسی، ۱۴۰۷، الخلاف، ۱/۱۰۵). لذا به تعبیر علامه حلی، گرچه قدح و

تعدیل وی به طور صریح تبیین نشده است ولی بنا بر قول قوی تر، پذیرش دیدگاه او ترجیح دارد (علامه حلی، ۱۳۸۱، ۴). از این رو روایتی که وی در سند آن است، صحیح و معتبر شمرده می شود (حسینی استرآبادی، ۱۳۹۷، ۵).

دو راوی دیگر در سند این روایت «محمد بن ابی عمیر زیاد و حماد بن عثمان الناب» از اصحاب اجماع شناخته می شوند و همین امر دلالت بر اعتبار آن ها دارد؛ زیرا اصحاب اجماع، کسانی هستند که در علم و وثاقت، از راویان خاص ائمه معصومین علیهم السلام محسوب می شوند (حر عاملی، ۱۴۱۲، ۵۷۳/۸؛ موسوی خویی، بی تا، ۵۷/۱). در عین حال، تعبیراتی نیز در مورد آن ها رسیده است که تأکید بیشتری بر وثاقت آن ها دارند؛ در برخی از تعبیرات نسبت به شخصیت «محمد بن ابی عمیر» آمده است: وی با عناوین متعددی چون «ابن ابی عمیر، محمد ابن ابی عمیر و محمد بن زیاد» در اسناد زیادی از روایات که بیش از پنج هزار مورد است، واقع شده است (سبحانی تبریزی، بی تا، ۵۰۴/۳). کشی در رجال خویش در مقایسه او با «یونس بن عبدالرحمن» ابن ابی عمیر را افقه، اصلح و افضل می داند (کشی، ۱۴۹۰، ۵۸۹).

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفی  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»  
۷۹

شیخ طوسی نیز وی را ثقه دانسته (طوسی، ۱۴۲۷، ۳۶۵) و برای او تصنیفات زیادی بر شمرده است (طوسی، بی تا، ۱۴۲) ضمن آنکه نجاشی، علامه حلی و برخی دیگر از رجالیان، او را جلیل القدر و عظیم المنزله در نزد امامیه و اهل سنت معرفی کرده اند (نجاشی، ۱۴۰۷، ۳۲۶؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ۱۴۱؛ موسوی خویی، بی تا، ۲۹۱/۱۵). با توضیحات یادشده، می توان ادعا نمود، تردیدی در وثاقت او وجود نخواهد داشت.

اما تعبیراتی که پیرامون «حماد بن عثمان» از سوی رجالیان صادر گردیده، بدین شرح است: وی از اصحاب امام صادق علیه السلام شناخته می شود (برقی، ۱۳۸۳، ۵۳؛ طوسی، ۱۴۲۷، ۳۵۴) و شخصی ثقه، جلیل القدر و صاحب کتاب معرفی شده است (برقی، ۱۳۸۳، ۶۰؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ۱۳۲؛ موسوی خویی، بی تا، ۲۲۵/۷)؛ بنابراین، در اعتبار او نیز در نزد رجالیان تردیدی وجود ندارد.

آخرین راوی در سند این روایت «عبیدالله بن علی حلبی» است. او نیز از راویان امامی و ثقه و از اجلاء اصحاب امام صادق علیه السلام شناخته می شود (برقی، ۱۳۸۳، ۲۳؛

نجاشی، ۱۴۰۷، ۲۳۰؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳، ۲۱۷؛ موسوی خویی، بی تا، ۴۱۰/۱۱ و در توصیفات این راوی آمده است: ایشان کتابی را تصنیف و به امام صادق ع عرضه کرد، حضرت بعد از تحسین و تأیید آن، فرمودند: برای مخالفین، به مانند این کتاب نیست (طوسی، بی تا، ۱۰۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۲۶/۳۰).

### ۳. تسری عدم اجرای حدود به مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه

با عنایت به حکم ذکر شده برای مجرمان پناهنده به حرم امن الهی، آیا می توان این حکم را به مشاهد مشرفه قیاس نمود و مجرمی که در خارج از مشاهد مرتکب جرم شده است و سپس به این مکان های مقدس پناهنده می شود، مجازات وی را به خارج از آنجا به تأخیر انداخت؟ پیرامون این سؤال، دو دیدگاه را می توان در کلام فقها یافت نمود:

#### ۳/۱. الحاق مشاهد مشرفه به حرم امن الهی در اجرای حدود

گروهی از فقهای امامیه و اهل تسنن بر این باورند که حکم ذکر شده برای حرم، قابل تسری به مشاهد مشرفه است و بر این سخن، به دلایل گوناگونی تمسک نموده اند که در ادامه بیان خواهد شد.

بر اساس جستار صورت گرفته، از فقهای امامیه می توان به بزرگانی چون: شیخ مفید، شیخ طوسی، قاضی ابن براج، ابن ادریس حلی و علامه حلی اشاره نمود (شیخ مفید، ۱۴۱۳، المقنعه، ۷۴۴؛ طوسی، ۱۴۰۰، ۷۵۶؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۳۶۴/۳؛ ابن براج، ۱۴۰۶، ۵۲۹/۲؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۳۲۴/۵).

از حامیان این دیدگاه در بین مذاهب اهل سنت، می توان برخی از فقهای مذهب شافعی (الشربینی الشافعی، بی تا، ۲۷۹/۵؛ الأسدی الشافعی، ۱۴۳۲، ۶۶/۴) و حنفی (ابن عابدین، ۱۳۸۶، ۶۲۵/۲) را نام برد، البته نام برخی از مفسران و فقیهان دیگر اهل سنت را می توان به واسطه حرمتی که برای مشاهد مشرفه قائلند، در زمره قائلین به این دیدگاه دانست؛ هر چند تصریحی به این مطلب ندارند (قاسمی، ۱۴۱۸، ۲۴۳/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰، ۳۳۸/۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲، ۲۰/۷).

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲

۸۰

### ۳/۱/۱. دلایل دیدگاه نخست

دلایلی که برای الحاق مشاهد مشرفه به حرم مکی می‌توان برشمرد، به شرح ذیل است:

### ۳/۱/۱. اطلاق واژه حرم بر مشاهد

با توجه به روایات مربوط به این باب که عدم اجرای حدود را به حرم اختصاص داده‌اند، قائلین به دیدگاه نخست که بیشتر آن‌ها از فقهای امامیه هستند، با استناد به اطلاق واژه «حرم» بر مشاهد مشرفه، حکم ذکر شده در روایات را، به مشاهد مشرفه نیز سرایت داده‌اند. البته نکته مهم آن است که دلیل مذکور، در نص عبارات طرفداران دیدگاه نخست نیامده است بلکه برخی از بزرگان دین، این دلیل را به آن‌ها نسبت داده‌اند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۳۳۳/۲؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱ق، ۲۵۵/۸؛ مجلسی اول، ۱۴۰۶ق، ۱۵۹/۴؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷ق، ۷۰۵/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۳۴۵/۱۷؛ طباطبایی حائری، بی تا، ۲۷).

### ۳/۱/۲. حرمت و احترام مشاهد

دلیل دیگری که باعث انتخاب دیدگاه نخست گردیده، حرمتی است که برای مشاهد مشرفه قائلند؛ حرمتی که بر اساس آن، تأخیر اجرای حدود بر مجرمی که به آنجا پناهنده شده، تجویز شده است. ضمناً دلیل ذکر شده، از ادله‌ای است که هم در کلام فقهای امامیه تصریح شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳ق، المقنعه، ۷۴۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰ق، ۴۴۷/۳) و هم در کلام فقها و مفسران اهل تسنن (قاسمی، ۱۴۱۸ق، ۲۴۳/۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ۳۳۸/۳؛ ثعلبی نیشابوری، ۱۴۲۲ق، ۲۰/۷؛ الزرکشی، ۱۴۱۶ق، ۲۷۲).

### ۳/۱/۳. سیره متشرعه در پناهندگی مجرمان به منازل علما

دلیل فوق‌الذکر به‌عنوان دلیل سومی محسوب می‌گردد که در کلام قائلین به دیدگاه نخست ذکر نشده است بلکه برخی به آنان نسبت داده‌اند و مراد از آن، سیره‌ای است که در گذشته، کسانی که دچار خطا می‌شدند، به جهت این که کسی متعرض آن‌ها نگردد، به منازل علما پناهنده می‌شدند (موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲ق، ۳۹۸/۱؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲ق، ۲۳۳/۱۲). از این رو، به طریق اولی در مشاهد مشرفه، مجرم از اجرای حدود نیز مصون است.

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفی  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»  
۸۱

### ۳/۱/۱/۴. در حکم مساجد بودن مشاهد مشرفه

در کلام برخی از فقها تصریح شده است که مشاهد مشرفه در احکام، به مساجد ملحق می‌شوند (شهید اول، ۱۴۱۹ق، ۲۷۸/۱؛ شهید ثانی، ۱۴۲۰ق، ۴۳۰؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۳۲۴/۱؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ۵۰۵/۵؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸ق، موسوعة الامام الخویی، ۲۰۸/۱۳) و حتی صاحب جواهر روایت مرسله‌ای را نقل کرده است که ائمه معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند: «أَنَّ بَيْوتَنَا مَسَاجِدَ» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۳۱/۴۳). حال بعد از الحاق مشاهد مشرفه به مساجد، بایستی احکام آن را نیز بر مشاهد منطبق دانست؛ یکی از این احکام که می‌تواند دلیلی بر دیدگاه نخست تلقی گردد، روایتی است که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در آن می‌فرماید: «لَا تُقَامُ الْحُدُودُ فِي الْمَسَاجِدِ» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵ق، ۱۸۹/۱)؛ بنابراین، اگر در مساجد حدود اجرا نشود، در مشاهد مشرفه نیز اجرا نمی‌گردد.

### ۳/۲. عدم الحاق مشاهد مشرفه به حرم امن الهی در اجرای حدود

در برابر بزرگانی از فقهای امامیه و اهل سنت که در دیدگاه نخست از آنان نام برده شد، برخی از فقهای امامیه و نیز اهل تسنن، حکم عدم اجرای حدود در حرم را حکم اختصاصی به حرم دانسته و مشاهد مشرفه را به حرم ملحق نکرده‌اند. فقیهانی از امامیه چون شهید ثانی (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۲/۱۵)، محدث بحرانی (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۳۴۵/۱۷)، صاحب مدارک (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ۲۵۵/۸)، محقق سبزواری (محقق سبزواری، ۱۴۲۷، ۷۰۵/۲)، صاحب ریاض (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ۳۴۱/۱۶)، سید مجاهد (طباطبایی حائری، بی‌تا، ۲۷)، آیت‌الله خویی (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ۲۲۵/۴۲) و فقیهانی چون ابن قدامه (ابن قدامه، بی‌تا، ۲۳۴/۱۰)، ابن حزم (ابن حزم، ۱۴۲۲ق، ۲۶۲/۷)، الزرکشی (الزرکشی المصری، ۱۴۱۳ق، ۳۲۴/۶) در فقه اهل سنت را می‌توان به‌عنوان قائلین به دیدگاه دوم نام برد.

جستارهای  
فقهی و اصولی  
سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲  
۸۲

### ۳/۲/۱. دلایل دیدگاه دوم

مستندات نظریه عدم تسری، در قالب دو دلیل به شرح ذیل قابل ذکر می‌باشد:

#### ۳/۲/۱/۱. فقدان دلیل

با توجه به کلام آیت‌الله خویی مبنی بر این که هر حکمی تابع دلیل است (موسوی

خوبی، ۱۴۲۲ق، ۲۲۶/۴۲)، مهم‌ترین دلیلی که برای این دیدگاه تبیین شده، عدم وجود دلیل و نص معتبر در مورد عدم اجرای حدود در مشاهد مشرفه است (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۵/۴۱؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۸، ۳۵۳؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۴۳۲/۲۵). به دیگر سخن، نصی که تصریح به عدم اجرای حدود کرده است را منحصر به حرم دانسته و از آن به مشاهد مشرفه تسری نکرده‌اند؛ زیرا اولاً واژه «حرم» زمانی که به طور مطلق به کار رود، انصراف به حرم امن الهی دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۳۳۳/۲؛ ابن قدامة، بی تا، ۲۳۴/۱۰؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ۳۹۷/۱). ثانیاً ملاک عدم اجرای حدود در حرم، مجرد حرمت حرم است و نمی‌توان غیر حرم را به حرم قیاس نمود (تبریزی، ۱۴۲۸، ۳۹).

البته شایان ذکر است که ادعای «عدم وجود دلیل» در صورتی پذیرفتنی است که در ابتدا، دلایل چهارگانه گروه نخست، مورد ارزیابی و نقد قرار گیرد از همین رو در ادامه مقاله در بخش بیان دیدگاه مختار، دلایل چهارگانه نقد خواهد شد.

### ۳/۲/۱/۲. تمسک به اصل

به‌عنوان دلیل دوم برای دیدگاه مذکور که به‌نوعی تکمیل‌کننده دلیل پیشین محسوب می‌شود، می‌توان به «اصلی» که شهید ثانی بر آن تصریح نموده است، اشاره کرد. ایشان فرموده است: با توجه به عدم وجود دلیل بر عدم اجرای حدود در مشاهد مشرفه، اصل نیز اقتضا می‌کند که حکم ذکر شده برای حرم، در مورد مشاهد مشرفه منطبق نباشد (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۲۲/۱۵)؛ لذا برای مجرم پناهنده به مشاهد مشرفه، مصونیتی وجود ندارد.

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
حدود مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۸۳

### ۳/۳. دیدگاه مختار و دلایل آن

نگارنده بر این باور است که اهتمام شارع مبنی بر مجازات مجرمان به گونه‌ای است که تأخیر در اجرای مجازات آنان بی‌عدالتی در نظام حقوقی را در پی دارد. این تأکید را می‌توان در لسان ائمه علیهم‌السلام یافت نمود؛ از جمله این روایات، کلام امام صادق علیه‌السلام در مورد سه مردی است که شهادت به زنا داده بودند، حضرت فرمودند: چهارمین شاهد کجاست؟ گفتند: هم‌اکنون می‌آید، امام علیه‌السلام فرمودند: این سه نفر را حدّ بزنید؛ زیرا در حدّ نمی‌توان لحظه‌ای درنگ کرد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۱۰/۷).

بر همین اساس است که فقهای امامیه (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳۸۳/۱۴، صیمری، ۱۴۲۰، ۳۵۳/۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۱۴۰/۴؛ فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷، ۴۷۵/۴؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ۴۶۸/۱ و ...) و اهل تسنن (الزحیلی، ۱۴۱۷، ۳۹۵/۵؛ عوده، ۱۴۰۲، ۴۶۷/۱. الرحیانی، ۱۴۱۵، ۱۶۴/۶؛ ابواسحاق برهان‌الدین، ۱۴۱۸، ۳۷۱/۷) نیز فتوا به عدم جواز تأخیر نسبت به اجرای حدّ داده‌اند.

البته در صورتی که نص و دلیل خاص بر تأخیر در اجرای حدّ یا عدم اجرای حدود وجود داشته باشد، مانند مجرمی که به حرم امن الهی پناهنده شده است (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲۶/۴؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۵۷/۱۲) یا مانند روایاتی که در مورد عدم اجرای حدود در مساجد<sup>۱</sup> (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ۱۸۹/۱) سخن گفته‌اند، می‌توان اجرای حدود در آن مکان‌ها را به تأخیر انداخت؛ بنابراین، سایر موارد در تحت همان اصل که عدم جواز تأخیر در حدود باشد، باقی می‌ماند. حال مجرمی که به مشاهد مشرفه پناهنده می‌شود، چون نص معتبری در مورد تأخیر در اجرای حدود نسبت به او وجود ندارد، در این حکم به حرم امن الهی ملحق نمی‌شود. از این رو، می‌توان بر این امر قائل شد که حکم مذکور در حرم امن الهی نسبت به مجرمان پناهنده، حکم اختصاصی آنجا شناخته می‌شود و نمی‌توان مشاهد را به آن قیاس نمود، هرچند دیدگاه نخست در مسئله، موافق با احتیاط است (طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ۳۴۱/۱۶) ولی فتوای به آن صحیح نیست.

البته به نظر می‌رسد اگر حکم ذکر شده مبنی بر عدم اجرای حدود در حرم، به جهت «امنیت» آن مکان مقدس باشد؛ چنان‌که در نصوص دینی اعم از آیات (بقره/۱۲۵؛ ابراهیم/۳۵ و ۱۲۶؛ قصص/۵۷؛ عنکبوت/۶۷؛ تین/۳) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲۶/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، تهذیب الاحکام، ۴۴۹/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۵۷/۱۲) به این امر مهم تصریح شده است، می‌توان از بین مشاهد مشرفه، حرم امام حسین علیه السلام را در این حکم به حرم امن الهی قیاس نمود و حدّ را بر مجرمی که به این مکان مقدس پناهنده شده باشد، به تأخیر انداخت؛ زیرا به‌طور خاص در نصوص دینی بر «امن بودن

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲

۸۴

۱. پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: لا تقام الحدود فی المساجد.



این مکان مقدس»، تصریح شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «به‌راستی که خدا کربلا را حرم امن و بابرکت قرارداد، پیش از آن که مکه را حرم قرار دهد»<sup>۱</sup> (ابن قولویه قمی، ۱۳۹۸، ۲۶۷: اصفهانی، ۱۴۱۰، ۱۰۸/۹۸).

لازم است ذکر شود که با توجه به نقل روایت مذکور در کتاب شریف کامل الزیارات، بایستی روایت را از لحاظ سندی نیز معتبر دانست. بر این امر که اسناد روایات ذکر شده در این کتاب از درجه اعتبار بالایی برخوردار هستند، چند شاهد می‌توان اقامه نمود:

**شاهد نخست:** اولین شاهد، به مقدمه کتاب کامل الزیارات برمی‌گردد؛ در این مقدمه، مؤلف که خود از ثقات و بزرگان امامیه در فقه و حدیث شناخته می‌شود (نجاشی، ۱۴۰۷، ۱۲۳؛ طوسی، بی‌تا، ۴۲؛ علامه حلی، ۱۳۸۱، ۳۱ و...) تصریح کرده است که تمام روایاتی که در این کتاب نقل شده، از روات ثقه و مطمئن است (ابن قولویه قمی، ۱۳۹۸، ۴).

**شاهد دوم:** دیگر شاهد بر این ادعا، کلام آیت‌الله خویی است که فرموده است: «... بر طبق آنچه گفته‌ایم، به وثاقت جمیع افرادی که در اسناد کتاب کامل الزیارات قرار گرفته‌اند، حکم می‌کنیم...» (موسوی خویی، بی‌تا، ۵۰/۱).

**شاهد سوم:** کیفیت مواجهه فقها و رجالیان با روایان موجود در سلسله اسناد این کتاب است که به محض برخورد با چنین روایتی، حکم به اعتبار آن‌ها کرده‌اند (طوسی، ۱۴۰۷، الخلاف، ۵۲/۱؛ جزائری، ۱۴۰۸، ۱۷۳/۲؛ موسوی خویی، ۱۴۱۸، معجم رجال الحدیث، ۲۴۴/۱؛ سیفی مازندرانی، ۱۴۲۵، ۱۷۹/۲ و...).

شایان ذکر است که در کلام برخی از فقها و روات امامیه نیز به روایت فوق‌الذکر تصریح شده است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، المزار، ۲۳؛ نراقی، ۱۴۱۵، ۳۱۰/۱۳؛ غروی، ۱۴۲۱، ۲۹۰؛ مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ۲۹؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۳۳/۱۲) به طوری که برخی از آنان، به جهت نور واحد بودن ائمه علیهم السلام، حکم ذکر شده برای حرم سیدالشهدا را به سایر امامان معصوم علیهم السلام نیز تسری داده‌اند (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ۲۹). به نظر می‌رسد تسری ذکر

۱. أَنْ اللَّهَ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ قَبْرَهُ كَرْبَلَاءَ حَرَمًا آمِنًا مُبَارَكًا قَبْلَ أَنْ يَتَّخِذَ مَكَّةَ حَرَمًا.

شده، مطابق با اصول و قواعد نیست؛ زیرا در حکم مخالف اصل، دلیل خاص نیاز است که این دلیل را تنها در مورد حرم امام حسین علیه السلام می توان یافت نمود؛ بنابراین، اصل کلام آن ها نیز، امن بودن مکان مقدسی چون حرم سیدالشهدا علیه السلام را می تواند به اثبات برساند.

اکنون که در مورد حرم امام حسین علیه السلام دلیل خاص وجود دارد و ما را بی نیاز از سایر ادله می تواند ولیکن می توان ادله قائلین به دیدگاه نخست<sup>۱</sup> در مسئله را مؤید بر امر فوق دانست؛ به طوری که برخی اجرای حدود را موجب اهانت و استخفاف بر این امکانه قلمداد کرده اند (شیخ مفید، ۱۴۱۳، المقنعه، ۷۴۴؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ۳۲۱/۱۴؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲، ۲۳۳/۱۲).

بنابراین اگر معیار در عدم اجرای حدود در حرم، «امنیت حرم» باشد، در واقع می توان چنین تفصیلی را قائل شد:

مجرمان پناهنده به حرم امن الهی و نیز حرم سیدالشهدا علیه السلام در آن مکان مقدس مورد مجازات قرار نمی گیرند ولی در سایر مشاهد مشرفه و بلکه سایر اماکن متبرکه، اجرای حدود نسبت به آن ها معذوریتی را در پی ندارد؛ زیرا بر اساس نصوص دینی، متناسب با جرم مجرم، بایستی عقوبت او نیز بدون تأخیر اجرا شود. از این رو، عدم اجرای مجازات وی، حکمی برخلاف اصل شمرده می شود و در این حکم باید به قدر متیقن بسنده نمود و درجایی که نصی بر آن وجود ندارد، چنین حکمی به مشاهد مشرفه (غیر از حرم سیدالشهدا علیه السلام) سرایت نمی کند.

در پایان بحث، توجه به محدوده و گستره حرم سیدالشهدا علیه السلام ضروری به نظر می رسد؛ هرچند در این امر میان فقها اختلاف است ولی نگارنده در این مهم، اکتفا به قدر متیقن از حرم ایشان نموده است که همان محدوده ضریح و تحت قبه است؛ زیرا: اولاً؛ ادله و نصوصی (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۱۶۲/۳؛ اصفهانی، ۱۴۱۰، ۲۶۴/۹۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۴۸/۴) که پیرامون مشاهد مشرفه تبیین حکم<sup>۲</sup> نموده اند، انصراف و بلکه ظهور در

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۸۶

۱. از جمله حرمت و احترام امکانه مقدس ائمه علیهم السلام، سیره مشرعه در پناهندگی به منازل علما و ...

۲. احکامی مانند دفن میت، نبش قبر، دخول جنب در مشاهد مشرفه، تغلیظ دیه و ...

همان قدر متیقن داشته و بیشتر از آن را اقتضا ندارند. به ویژه در زمان کنونی که این مشاهد توسعه پیدا کرده و دامنه آن‌ها بسیار گسترده شده است و به طور طبیعی، نصوص، این مناطق توسعه یافته را مد نظر قرار نداده‌اند؛ است.

ثانیاً: در کلام بسیاری از علما نیز، احکام مربوط به مشاهد مشرفه به قدر متیقن گفته شده اختصاص یافته است (نجفی، ۱۴۲۲، ۱۷۹/۲؛ نجفی اصفهانی، ۱۴۲۷، ۱۰۹/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۵۳/۳؛ موسوی خویی، ۱۴۱۶، ۴۵/۳؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۱۳، ۳۹/۱ و...).

#### ۴. نقد دلایل قائلین الحاق مشاهد مشرفه به حرم امن الهی

اینک انتظار می‌رود، دلایل دیدگاه نخست که به طور مطلق قائل به الحاق مشاهد مشرفه به حرم مکی بودند، مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد؛ لذا پاسخ نگارنده به ادله آنان بدین شرح است:

##### ۴/۱. نقد دلیل نخست

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۸۷

دلیل نخست که گفته شد، واژه «حرم» بر مشاهد مشرفه نیز اطلاق می‌شود، صحیح نیست؛ زیرا چنان که در ذیل دیدگاه دوم در مسئله اشاره شد، اطلاق حرم، انصراف به حرم امن الهی دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ۳۴۵/۴۱؛ عاملی، ۱۴۱۳، ۶۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳، ۸۷/۲۹) و قابل تطبیق به مشاهد مشرفه نیست. از این رو، به تعبیر برخی از واژه‌شناسان، حرم مکه را نیز حرم نامیده‌اند؛ زیرا خیلی از چیزهایی که در غیر مکه حرام نیست، خداوند در آنجا تحریم کرده است (طریحی، ۱۴۱۶، ۳۵/۶)؛ بنابراین، در صورت عدم صدق حرم بر مشاهد مشرفه، دلیل نخست آنان از اعتبار ساقط می‌گردد.

##### ۴/۲. نقد دلیل دوم

به نظر می‌رسد، در مناقشه نسبت به دلیل دوم آنان که بحث حرمت مشاهد مشرفه را مطرح کرده‌اند، بایستی تصریح کرد که گرچه به اذعان همه فقهای اسلام، مشاهد مشرفه و بلکه حتی سایر امام زادگان از حرمت خاصی برخوردار هستند ولی تنها در احترام داشتن و عدم جواز هتک و رعایت تعظیم آن‌ها، به حرم امن الهی ملحق می‌شوند نه در سایر احکام مانند عدم اجرای حدود؛ بنابراین، با صرف حرمت و

احترامی که این اماکن دارند، نمی‌توان مشاهده را به حرم مکی قیاس نمود و احکام آنجا را در مشاهده نیز اجرا کرد. در واقع در استدلال دوم دلیل اعم از مدعاست! افزون بر اینکه نخست باید اثبات شود که علت تامه عدم اجرای حد در حرم مکی، صرفاً «حرمت حرم» است و سپس با تنقیح مناط، عدم اجرای حد در مشاهده مشرفه نیز اثبات شود. در حالی که ممکن است حرمت حرم به‌عنوان «حکمت حکم» مطرح شده باشد نه «علت حکم»! افزون بر آن «حرمت» امری مقول به تشکیک است و مراتب و درجات دارد، شاید در مورد حرم مکی بالاترین درجه آن مدنظر است و لذا «عدم اجرای حدود» نتیجه گرفته شده است ولی در مورد مشاهده مشرفه درجه حرمت پایین‌تر است و لذا چنین نتیجه‌گیری درست نخواهد بود!

پاسخ ذکر شده به دلیل دوم را می‌توان در کلام برخی از بزرگان فقه یافت نمود (موسوی عاملی، ۱۴۱۱، ۲۵۵/۸؛ حسینی عاملی، بی‌تا، ۱۱/۱۱؛ طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ۳۴۱/۱۶؛ موسوی خویی، ۱۴۲۲، ۲۲۵/۴۲ و ...)

### ۳/۴. نقد دلیل سوم

نقدی که به سیره متشرعه در پناهندگی مجرمان به منازل علما مطرح می‌شود، از قرار زیر است:

**اولاً:** بر اساس کلام اصولیان، حجیت سیره متشرعه مربوط به زمانی است که چنین سیره‌ای تا زمان معصومان علیهم‌السلام باشد و در برابر دیدگان ایشان انجام شده باشد؛ به گونه‌ای که معصوم علیهم‌السلام نیز بدان عمل یا آن را تقریر کرده باشد و چنین سیره و بنایی حجیت دارد (مظفر، ۱۴۳۰، ۵۱۵؛ شهرکانی، ۱۴۳۰، ۲۵۱/۲؛ آل‌صفوان، ۱۴۲۲، ۷۰/۱؛ شهید صدر، ۱۴۰۸، ۱۰۲/۲؛ صالحی مازندرانی، ۱۳۸۲، ۲۰۹/۵). این در حالی است که وجود چنین سیره‌ای در زمان معصومان علیهم‌السلام قابل احراز نیست؛ زیرا اگر چنین می‌بود، بایستی به‌مانند عدم اجرای حدود نسبت به مجرم پناهنده به حرم امن الهی (کلینی، ۱۴۰۷، ۲۲۶/۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، تهذیب الاحکام، ۴۴۹/۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ۵۵۷/۱۲) و بلکه حتی عدم اجرای حدود در مساجد (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ۱۸۹/۱)، در مورد مشاهده مشرفه نیز تصریح می‌شد؛ لذا اکنون که چنین نصی در اختیار ما نیست، نمی‌توان عدم اجرای

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲

۸۸

حدود در مشاهد مشرفه را مستند به چنین سیره‌ای نمود.

**ثانیاً:** برفرض که چنین سیره‌ای متصل به زمان معصومان علیهم‌السلام باشد، به نظر می‌رسد، وجه آن خیلی روشن نیست و نمی‌توان از چنین سیره‌ای، حکم مربوط به مشاهد مشرفه را ثابت نمود؛ زیرا احتمال دارد که نهایت دلالتش حرمت و احترامی باشد که می‌توان به واسطه‌ی آن، برای مشاهد مشرفه در نظر گرفت ولی دلالت قطعی در آن نیست که توانایی اثبات حکم «عدم اجرای حدود و سخت‌گیری بر مجرمان در مشاهد مشرفه» را داشته باشد!

#### ۴/۴. نقد دلیل چهارم

اما مناقشه‌ای که به دلیل چهارم و تسری احکام مساجد به مشاهد مشرفه وارد می‌شود، اشکال صغروی خواهد بود؛ بدین معنا که، اشکال بر روایت «ان بیوتنا مساجد» وارد است؛ زیرا

**اولاً:** بر اساس جستاری که در کتب روایی معتبر صورت گرفته است، وجود چنین روایتی در حاله‌ای از ابهام بوده است و نمی‌توان آن را به ائمه علیهم‌السلام منسوب کرد. **ثانیاً:** روایت فوق‌الذکر، مرسله‌ای است که تنها صاحب جواهر بدان تصریح نموده است؛ از این رو، به جهت مرسله بودن، فاقد اعتبار است؛ چنانکه برخی به مرسله بودن آن نیز تصریح کرده‌اند (سبزواری، ۱۴۱۳، ۲/۲۷۶).

**ثالثاً:** نگارنده بر این باور است که برفرض وجود چنین روایتی، تا زمانی که نص خاصی در اختیار نباشد، اثبات مصونیت مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه که شارع مقدس نسبت به چنین احکامی اهتمام خاص دارد، صحیح نیست. بنابراین نمی‌توان بر اساس روایتی که وجود خارجی ندارد یا روایت ضعیفی محسوب می‌شود، حکمی را برای مشاهد مشرفه اثبات کرد.

#### نتیجه‌گیری

با توجه به اشکالات و نقدهایی که بر دیدگاه نخست مطرح گردید، می‌توان چنین نتیجه گرفت که از یک سو با توجه به اتفاق نظر و اجماعی که در میان فقهای

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت‌کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۸۹

اسلام درباره «عدم جواز تأخیر حدود» وجود دارد که بر اساس آن در هر شرایط مگر با وجود موضوع احکام ثانویه حدود الاهی نباید تعطیل شود و یا به تأخیر افتد؛ و از دیگر سوی، دلیل متقن خاصی از نصوص دینی بر مصونیت مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه وجود ندارد، نباید مشاهد مشرفه را با حرم مکی مقایسه نمود و حکم مصونیت مجرمان پناهنده به حرم را بر مشاهد مشرفه نیز سرایت داد.

البته در صورتی که، حکم ذکر شده برای حرم مکی، بر اساس «امنیت حرم» دانسته شود؛ چنان که نصوص دینی بر آن تصریح دارند، از میان مشاهد مشرفه، تنها حرم سیدالشهدا علیه السلام به دلیل وجود نص خاص، به حرم مکی ملحق می شود.

## منابع

### • قرآن کریم

۱. آل صفوان، عبدالمعطی جعفر- مسباع، ناصر محمد. (۱۴۲۲ق). مذاکره الأصول فی کتاب

الحلقة الاولى والثانية. قم: بی نا.

۲. ابن ابی جمهور، محمد بن علی. (۱۴۰۵ق). عوالی اللئالی العزیزیه. قم: دار سیدالشهداء للنشر.

۳. ابن ادریس حلّی، محمد بن منصور. (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.

۴. ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز. (۱۴۰۶ق). المهذب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.

۵. ابن حزم، أبی محمّد علی بن أحمد بن سعید. (۱۴۲۲ق). المحلّی شرح المجلّی. تحقیق: احمد محمّد شاکر، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۶. ابن داود حلّی، حسن بن علی. (۱۳۸۳). رجال ابن داود. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷. ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبدالعزیز عابدین دمشقی الحنفی. (۱۳۸۶). رد المحتار علی الدر المختار. چاپ دوم، بی جا: شرکت مکتبه و مطبعة مصطفی البابی الحلّبی و اولاده بمصر.

۸. ابن قدامه، أبی محمّد عبدالله بن احمد. (بی تا). المغنی و الشرح الكبير علی متن المقنع فی فقه الامام احمد بن حنبل. بیروت: دارالفکر.

۹. ابن قولویه قمی، ابوالقاسم. (۱۳۹۸). کامل الزیارات. نجف اشرف: دار المرتضویه.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۹۰

۱۰. ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد. (۱۴۱۴ق). **لسان العرب**. چاپ سوم، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۱۱. ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). **معجم مقاییس اللغة**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم.
۱۲. ابواسحاق برهان‌الدین، ابراهیم بن محمد. (۱۴۱۸ق). **المبدع فی شرح المقنع**. بیروت: دار الکتب العلمیة.
۱۳. ابوسعیدة، السید حسین. (۱۴۳۳ق). **المشاهد المشرفة**. بیروت: مؤسسه البلاغ.
۱۴. الأسدی الشافعی، بدرالدین أبو الفضل محمد بن أبی بکر. (۱۴۳۲ق). **بداية المحتاج فی شرح المنهاج**. جده: دار المنهاج للنشر والتوزیع، جدة-المملكة العربية السعودية.
۱۵. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمدباقر. (۱۴۱۰ق). **بحار الأنوار**. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۱۶. انصاری دزفولی، مرتضی. (۱۴۱۰ق). **کتاب المکاسب (المحشی)**. چاپ سوم، قم: مؤسسه مطبوعاتی دار الکتب.
۱۷. بحرانی (آل عصفور)، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ق). **الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۱۸. برقی (ابو جعفر)، احمد بن محمد. (۱۳۸۳). **رجال البرقی - الطبقات**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق). **معالم التنزیل فی تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. بهجت گیلانی، محمد تقی. (۱۴۲۶ق). **جامع المسائل**. چاپ دوم، قم: دفتر معظم له.
۲۱. تبریزی، جواد. (۱۴۲۸ق). **تنقیح مبانی الأحكام - کتاب الديات**. قم: دار الصدیقة الشهيدة علیها السلام.
۲۲. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمد بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). **الکشف و البیان عن تفسیر القرآن**. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۳. جَزّ، خلیل. (۱۳۷۵). **فرهنگ عربی-فارسی ترجمه کتاب المعجم العربی الحدیث**. مترجم: سیدحمید طیبیان، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۲۴. جزائری، سید نعمة الله. (۱۴۰۸ق). **کشف الأسرار فی شرح الاستبصار**. قم: مؤسسه دار الکتب.
۲۵. جزیری، عبدالرحمن، غروی، سید محمد، یاسر مازح. (۱۴۱۹ق). **الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت علیهم السلام**. بیروت: دار الثقلمین.

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۲۶. جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۴). **ترمینولوژی حقوق**. چاپ بیست و هفتم، تهران: چاپ رهنما، انتشارات گنج دانش.
۲۷. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی. (۱۴۲۶ق). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت** علیهم السلام. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۲۸. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). **وسائل الشیعة**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۲ق). **هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة - منتخب المسائل**. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۳۰. حسینی استرآبادی (میرداماد)، محمدباقر. (۱۳۹۷). **التعلیقة علی الاستبصار**. تهران: سیدجمال‌الدین میرداماد.
۳۱. حسینی روحانی قمی، سید صادق. (بی‌تا). **منهاج الصالحین**. بی‌جا: بی‌نا.
۳۲. حسینی روحانی قمی، سید صادق. (۱۴۱۲ق). **فقه الصادق** علیهم السلام. قم: دارالکتاب - مدرسه امام صادق علیهم السلام.
۳۳. حسینی عاملی، سیدجواد. (بی‌تا). **مفتاح الكرامة فی شرح قواعد العلامة**. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۳۴. حمیری، نشوان بن سعید. (۱۴۲۰ق). **شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم**. بیروت: دار الفكر المعاصر.
۳۵. الخلیلی، جعفر. (۱۴۰۷ق). **موسوعة العتبات المقدسة**. چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۳۶. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). **مفردات ألفاظ القرآن**. لبنان-سوریه: دار العلم-الدار الشامیة.
۳۷. الرحیانی، مصطفی بن سعد. (۱۴۱۵ق). **مطالب أولى النهی فی شرح غایة المنتهی**. چاپ دوم، بی‌جا: المکتب الإسلامی.
۳۸. الزحلی، محمد. (۱۴۱۷ق). **المهذب فی فقه الامام الشافعی لأبی اسحاق الشیرازی**. دمشق: دارالقلم.
۳۹. الزرکشی المصری الحنبلی، شمس‌الدین محمد بن عبد الله. (۱۴۱۳ق). **شرح الزرکشی**. بی‌جا: دار العیکان.
۴۰. الزرکشی، محمد بن عبد الله. (۱۴۱۶ق). **إعلام الساجد بأحكام المساجد**. چاپ چهارم، تحقیق المراغی، ابو الوفا مصطفی، القاهرة: جمهوریة مصر العربیة وزارة الاوقاف.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳

زمستان ۱۴۰۲

۹۲



۴۱. سبحانی تبریزی، جعفر. (بی تا). موسوعة طبقات الفقهاء. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۲. سیزواری، سیدعبد الأعلى. (۱۴۱۳ق). مهذب الأحكام. چاپ چهارم، قم: مؤسسه المنار- دفتر حضرت آیه الله.
۴۳. السهلانی، حیدر. (۱۳۸۷). فقه العتبات المقدسة. قم: دلیل ما.
۴۴. سیفی مازندرانی، علی اکبر. (۱۴۲۵ق). مبانی الفقه الفعال فی القواعد الفقهية الأساسية. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۴۵. الشریینی الشافعی الخطیب، محمد. (بی تا). مغنی المحتاج إلى معرفة الفاظ المنهاج. تصحیح: علی عاشور، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. شهرکانی، ابراهیم اسماعیل. (۱۴۳۰ق). المفید فی شرح أصول الفقه. قم: بی نا.
۴۷. شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۱۹ق). ذکرى الشيعة فی أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۴۸. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلانتر). قم: کتابفروشی داوری.
۴۹. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۵۰. شهید ثانی، زین الدین. (۱۴۲۰ق). الحاشية الأولى على الألفية. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم.
۵۱. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۰۸ق). مباحث الأصول. قم: بی نا.
۵۲. صدر، سید محمدباقر. (۱۴۲۰ق). ماوراء الفقه. بیروت: دار الأضواء للطباعة والنشر والتوزيع.
۵۳. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). المقنعة. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۵۴. مفید، محمد بن محمد. (۱۴۱۳ق). کتاب المزار. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۵۵. صالحی مازندرانی، اسماعیل. (۱۳۸۲). شرح کفاية الأصول. قم: بی نا.
۵۶. صیمری، مفلح بن حسن. (۱۴۲۰ق). غاية المرام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار الهادی.
۵۷. طباطبایی حائری، سیدعلی. (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۵۸. طباطبایی حائری، سیدمحمد مجاهد. (بی تا). کتاب المناهل. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۵۹. طباطبایی حکیم، سید محمد سعید. (۱۴۱۶ق). حواريات فقهية. بیروت: مؤسسه المنار.
۶۰. طباطبایی حکیم، سیدمحسن. (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقى. قم: مؤسسه دار التفسیر.
۶۱. طریحی، فخر الدین. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرين. چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفی»  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۶۲. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). **المبسوط في فقه الإمامية**. چاپ سوم، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۶۳. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۰ق). **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى**. چاپ دوم، بیروت: دار الكتاب العربي.
۶۴. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). **الخلاص**. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۶۵. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). **تهذيب الأحكام**. چاپ چهارم، تهران: دار الكتب الإسلامية.
۶۶. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۲۷ق). **رجال الشيخ الطوسي - الأبواب**. چاپ سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۶۷. طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). **الفهرست**. نجف اشرف: المكتبة الرضوية.
۶۸. عاملی، یاسین عیسی. (۱۴۱۳ق). **الاصطلاحات الفقهية في الرسائل العملية**. بیروت: دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزيع.
۶۹. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۳۸۱). **رجال العلامة - خلاصة الأقوال**. چاپ دوم، نجف اشرف - عراق: منشورات المطبعة الحیدرية.
۷۰. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۱ق). **تبصرة المتعلمين في أحكام الدين**. تهران: مؤسسه چاپ و نشر وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۷۱. حلّی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰ق). **تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية**. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۷۲. عوده، عبدالقادر. (۱۴۰۲ق). **التشريع الجنائي الإسلامي في المذاهب الخمسة مقارناً بالقانون الوضعي**. چاپ دوم، تحقیق: سید اسماعیل صدر، بی جا: قسم الدراسات اسلامية فی مؤسسه البعثة.
۷۳. غروی، مولی علی علی یاری. (۱۴۲۱ق). **منهاج الملة في بيان الوقت و القبلة**. قم: بنیاد فرهنگ اسلامی.
۷۴. فخر المحققین حلّی، محمد بن حسن. (۱۳۸۷). **إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد**. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۷۵. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). **كتاب العين**. چاپ دوم، قم: نشر هجرت.
۷۶. فیومی، احمد بن محمد. (بی تا). **المصباح المنیر في غریب الشرح الكبير للرافعی**. قم: منشورات دار الرضی.

جستارهای  
فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲

۹۴

۷۷. قاسمی، محمد جمال الدین. (۱۴۱۸ق). محاسن التاویل. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۷۸. قرشی، سیدعلی اکبر. (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۷۹. کشی (ابو عمرو)، محمد بن عمر. (۱۴۹۰). رجال الکشی. مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۸۰. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۸۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ق). الکافی. قم: دار الحدیث للطباعة و النشر.
۸۲. مجلسی اول، محمدتقی. (۱۴۰۶ق). روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه. چاپ دوم، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانور.
۸۳. محسنی، محمد آصف. (۱۴۱۹ق). الارض فی الفقه. قم: بی نا.
۸۴. محقق اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۸۵. محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام. چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۸۶. محقق سبزواری، محمدباقر. (۱۴۲۷ق). ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
۸۷. محمود عبدالرحمان. (بی تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه. بی جا: بی نا.
۸۸. مدنی کاشانی، حاج آقا رضا. (۱۴۰۸ق). کتاب الدیات. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۸۹. مشکینی، میرزا علی. (بی تا). مصطلحات الفقه. بی جا: بی نا.
۹۰. مصطفوی، حسن. (۱۴۰۲ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز کتاب لترجمة و النشر.
۹۱. مظفر، محمدرضا. (۱۴۳۰ق). أصول الفقه. چاپ پنجم، قم: انتشارات اسلامی.
۹۲. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۸ق). أنوار الفقاهة - کتاب الحدود و التعزیرات. قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیهم السلام).
۹۳. موسوی بجنوردی، سید حسن. (۱۴۱۹ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۹۴. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۴۲۵ق). تحریر الوسيلة - ترجمه. مترجم: علی اسلامی، چاپ بیست و یکم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۹۵. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). صراط النجاة. قم: مکتب نشر المنتخب.
۹۶. موسوی خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). التنقیح فی شرح العروة الوثقی. قم: تحت اشراف آقای لطفی.

ارزیابی تحلیلی دیدگاه  
«مصونیت کیفری  
(حدود) مجرمان  
پناهنده به مشاهد  
مشرفه»

۹۵

۹۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۸ق). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۹۸. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۲۲ق). مباني تكملة المنهاج. قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی.
۹۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم. (بی تا). معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال. بی جا: بی نا.
۱۰۰. موسوی عاملی، محمد. (۱۴۱۱). مدارك الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۰۱. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۴۱۲ق). الدر المنضود فی أحكام الحدود. قم: دار القرآن الکریم.
۱۰۲. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا. (۱۴۱۳ق)، هداية العباد. قم: دار القرآن الکریم.
۱۰۳. نجاشی، ابوالحسن. (۱۴۰۷ق). رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشيعة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم.
۱۰۴. نجفی (صاحب الجواهر)، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۰۵. نجفی (کاشف الغطاء)، جعفر. (۱۴۲۲ق). كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم.
۱۰۶. نجفی اصفهانی، محمد تقی رازی. (۱۴۲۷ق). تبصرة الفقهاء. قم: مجمع الذخائر الإسلامية.
۱۰۷. نراقی، مولی احمد. (۱۴۱۵ق). مستند الشيعة فی أحكام الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۰۸. واسطی (زییدی)، سیدمحمد مرتضی حسینی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.
۱۰۹. وجدانی فخر، قدرت الله. (۱۴۲۶ق). الجواهر الفخرية فی شرح الروضة البهية. چاپ دوم، قم: انتشارات سماء قلم.

جستارهای

فقهی و اصولی

سال نهم، شماره پیاپی ۳۳  
زمستان ۱۴۰۲

۹۶

## References

- The Holy Qur'ān.
- 1. A Group of Researchers under the supervision of al-Sayyid Maḥmūd al-Hāshimī al-Shāhrūdī. 2005/1426. *Farhang-i Fiqh Muṭābiq Madhhab-i Ahl-i Beyt*. 1<sup>st</sup>. Qom: Mu'assissih-yi Dā'irat al-Ma'ārif-i Fiqh-i Islāmī bar Badhhab-i Ahl al-Beyt ('A).
- 2. Abū Sa'īdah, al-Sayyid Ḥussayn. 2001/1433. *Al-Mashāhid al-Musharrafah*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Mu'assissat al-Balāgh.
- 3. Āl Ṣafwān, 'Abd al-Mu'ī Ja'far & Misbā', Nāṣir Muḥammad. 2001/1422. *Mudhākirat al-Uṣūl fī Kitāb al-Ḥalqat al-Ūlā wa al-Thānīyat*. 1<sup>st</sup>. Qom.
- 4. Āl 'Uṣfūr al-Bahrānī, Yūsuf ibn Aḥmad ibn Ibrāhīm. 1984/1405. *Al-Ḥadā'iq al-Nādirat fī Ahkām al-'Itrat al-Ṭāhirah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- 5. al-'Āmilī, Muḥammad Ibn Makkī (al-Shahīd al-Awwal). 1998/1419. *Dhikrā al-Shī'a fī Ahkām al-Sharī'a*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihyā' al-Turāth.
- 6. Al-'Āmilī, Yāsīn 'Īsā. 1992/1413. *Al-Iṣṭilāḥāt al-Fiqhīyat fī al-Rasā'il al-'Amaliyah*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Dār al-Balāghat lil Ṭabā'at wa al-Nashr wa al-Tawzī'.
- 7. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1989/1410. *al-Rawḍat al-Bahīyya fī Sharḥ al-Lum'at al-Dimashqīyya*. Qom: Maktabat al-Dāwā'ī.
- 8. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1992/1413. *Masālik al-Afhām ilā Tanqīḥ Sharḥ 'i' al-Islām*. Qom: Mu'assasat al-Ma'ārif al-Islāmīyya.
- 9. al-'Āmilī, Zayn al-Dīn Ibn 'Alī (al-Shahīd al-Thānī). 1999/1420. *Al-Ḥāshīyat al-Ūlā 'alā al-Alfiyah*. 1<sup>st</sup>. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yi 'Ilmīyyi-yi Qom).
- 10. al-Anṣārī, Murtaḍā Ibn Muḥammad Amin (al-Shaykh al-Anṣārī). 1989/1410. *Kitāb al-Makāsib*. Qom: Dār al-Kutub.
- 11. al-Ardabīlī, Aḥmad Ibn Muḥammad (al-Muḥaqqiq al-Ardabīlī). 1982/1403. *Majma' al-Fā'ida wa al-Burhān fī Sharḥ Īrshād al-Aqḥḥān*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
- 12. Al-Baghawī, Ḥussayn ibn Mas'ūd. 1999/1420. *Ma'ālim al-Tanzīl fī Tafsīr al-Qur'ān*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī.
- 13. al-Barqī, Aḥmad Ibn Muḥammad. 2003/1383. *Al-Rijāl al-Barqī-al-Ṭabaqāt*. Tehran: Mu'assisi-yi Intishārāt-i wa Chāp-i Dānishgāh Tihārān (Tehran University).
- 14. al-Farāhīdī, Khalīl Ibn Aḥmad. 1989/1410. *Kitāb al-'ayn*. 2nd. Edited by Maḥdī al-Makhzūmī and Ibrāhīm al-Sāmīrā'ī. Qom: Mu'assasat Dār al-Hijra.
- 15. Al-Fayyūmī, Abul'Abbās Aḥmad ibn Muḥammad. n.d. *Al-Miṣbāḥ al-Munīr fī Sharḥ al-Kabīr lil Rāfi'ī*. Qom: Manshūrāt Dār al-Raḍī.
- 16. Al-Gharawī, Mawlā 'Alī 'Alīyārī. 2000/1421. *Minḥāj al-Millat fī Bayān al-Waqt wa al-Qiblah*. 1<sup>st</sup>. Qom: Bunyād-i Farhang Islāmī.
- 17. al-Ḥā'irī, al-Ṭabāṭabā'ī al-Mujāhīd. n.d. *Kitāb al-Manāhil*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Ihyā' al-Turāth.

18. al-Hillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-‘Allāma al-Hillī). 1990/1411. *Tabṣirat al-Muta‘allimīn*. Tehran: Vizārat-i Farhang va Irshād-i Islāmī (Ministry of Culture and Islamic Guidance).
19. al-Hillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-‘Allāma al-Hillī). 1999/1420. *Tahrīr al-Aḥkām al-Shar‘iyya ‘alā Madhhab al-Imāmīyya*. Qom: Mu‘assasat al-Imām al-Ṣādiq.
20. al-Hillī, Ḥasan Ibn Yūsuf (al-‘Allāma al-Hillī). 2002/1381. *Khulāṣat al-Aqwāl fī Ma‘rifat Aḥwāl al-Rijāl (Rijal al-‘Allāma al-Hillī)*. 2<sup>nd</sup>. Najaf: Manshūrāt al-Maṭba‘at al-Ḥaydarīyah.
21. al-Hillī, Ḥasan ibn ‘Alī ibn Dāwūd. 2004/1383. *Rijāl ibn Dāwūd*. Tehran: Mu‘assisi-yi Intishārāt-i wa Chāp-i Dānishgāh Tih-rān (Tehran University).
22. al-Hillī, Muḥammad Ibn Ḥasan (Fakhr al-Muḥaqqiqīn). 1967/1387. *Īdāh al-Fawā‘id fī Sharḥ Mushkilāt al-Qawā‘id*. Qom: Mu‘assasat Ismā‘īliyyān.
23. al-Hillī, Najm al-Dīn Ja‘far Ibn al-Ḥasan (al-Muḥaqqiq al-Hillī). 1987/1408. *Sharā‘i‘ al-Islām fī Masā‘il al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. 2<sup>nd</sup>. Edited by ‘Abd al-Ḥusayn Muḥammad ‘Alī Baqqāl. Qom: Mu‘assasat Ismā‘īliyyān.
24. Al-Ḥumayrī, Nashwān ibn Sa‘īd. 1999/1420. *Shams al-‘Ulūm wa Dawā‘ al-Kalām al-‘Arab min al-Kulūm*. Damascus: Dār al-Fikr.
25. al-Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. 1988/1409. *Tafṣīl Wasā‘il al-Shī‘a ilā Tahṣīl al-Masā‘il al-Shar‘a*. Qom: Mu‘assasat Āl al-Bayt li Iḥyā‘ al-Turāth.
26. al-Ḥurr al-‘Āmilī, Muḥammad Ibn Ḥasan. *Hidāyat al-Ummat Ilā Aḥkām al-‘Imah*. 1<sup>st</sup>. Mashhad: Majma‘ al-Buḥūth al-Islāmīyah.
27. al-Ḥusaynī al-‘Āmilī, al-Sayyid Muḥammad Jawād. n.d. *Miftāḥ al-Kirāma fī Sharḥ Qwā‘id al-‘Allāma*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Dār Iḥyā‘ al-Turāth al-‘Arabī.
28. Al-Ḥusaynī al-Iṣṭar Ābadī, Muḥammad Bāqir. 2018/1397. *Al-Ta‘līqat ‘alā al-Isṭibṣār*. 1<sup>st</sup>. Tehran: Sayyid Jamāl al-Dīn Mīr Dāmād.
29. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣādiq. 1991/1412. *Fiqh al-Ṣādiq*. Qom: Mu‘assasat al-Imām al-Ṣādiq.
30. al-Ḥusaynī al-Rawḥānī, al-Sayyid Ṣādiq. n.d. *Minhāj al-Ṣāliḥīn*
31. al-Ḥusaynī al-Wāsiṭī, Sayyid Muḥammad Murtaḍā. 1993/1414. *Tāj al-‘Arūs min Jawāhīr al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr lil Ṭibā‘at wa al-Nashr wa al-Tawzī‘.
32. al-Iḥsā‘ī, Ibn Abī Jumhūr. 1984/1405. *Awāli al-Li‘āl al-‘Azīziyya*. Qum: Dar Sayyid al-Shuhadā’ li al-Nashr.
33. al-Janājī al-Hillī al-Najafī, Ja‘far ibn Khiḍr ibn Yaḥyā (Kāshif al-Ghiṭā‘). 2011/1422. *Kashf al-Ghiṭā‘ ‘an Mubhamāt al-sharī‘at al-gharrā‘*. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yī ‘Ilmiyyi-yi Qom).
34. Al-Jazā‘irī, Sayyid Ni‘matullāh. 1987/1408. *Kashf al-Asrār fī Sharḥ al-Isṭibṣār*. 1<sup>st</sup>. Mu‘assasat Dār al-Kitāb.
35. Al-Jazīrī, ‘Abd al-Raḥmān ibn Muḥammad; al-Qharawī Sayyid Muḥammad. 1999/1419. *Al-Fiqh ‘Alā al-Madhāhib al-Arba‘at wa Madhhab Ahl al-Bayt*. Beirut: Dār al-Thaqalayn.

36. al-Kashshī, and Muḥammad Ibn ‘Umar. 1970/1390. *Rijāl al-Kashshī*. Edited by al-Muṣṭafawī and Ḥasan. Mashhad: Mu’assasi-yi Nashr-i Dānishgāh-i Mashhad (Mashhad University Publication institute).
37. Al-Khalīlī, Ja‘far. 1989/1407. *Mawsū‘at al-‘atabāt al-Muqadasah*. 2<sup>nd</sup>. Beirut: Mu’assasat al-‘Alamī li al-Matbū‘āt.
38. Al-Khaṭīb al-Shirbīnī, Shams al-Dīn Muḥammad ibn Aḥmad (Shams al-Dīn). 1994/1415. *Mughnī al-Muhtāj ‘Ilā Ma‘rifat Ma‘ānī Alfāz al-Minhāj*. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah.
39. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya‘qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 1987/1407. *Uṣūl al-Kāfī*. Edited by ‘Alī Akbar Ghaffārī and Muḥammad Ākhundī. 4<sup>th</sup>. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
40. al-Kulaynī al-Rāzī, Muḥammad Ibn Ya‘qūb (al-Shaykh al-Kulaynī). 2008/1429. *al-Kāfī*. 1<sup>th</sup>. Edited by Mu’assasat Dār al-Ḥadīth. Qom: Mu’assasat Dār al-Ḥadīth.
41. Al-Madanī al-Kāshānī, Ḥāj Āqā Riḍā. 1987/1408. *Kitāb al-Dīyāt*. 1<sup>st</sup>. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
42. al-Majlisī, Muḥammad Bāqir (al-‘Allama al-Majlisī). 1990/1410. *Biḥār al-Anwār al-Jāmi‘a li Durar Akhbār al-‘Imma al-Aṭhār*. Beirut: Mu’assasat al-Ṭab‘ wa al-Nashr.
43. al-Majlisī, Muḥammad Taqī (al-Majlisī al-Awwal). 1985/1406. *Rawḍat al-Muttaqīn fī Sharḥ Man Lā Yaḥḍuruh al-Faqīh*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Bunyād-i Farhang-i Islāmī-yi Kūshanpūr.
44. Al-Mishkīnī, Mīrzā ‘Alī. n.d. *Muṣṭalahāt al-Fiqh*.
45. Al-Muḥsinī, Muḥammad Āshif. 1998/1419. *Al-Arḍ fī al-Fiqh*. 1<sup>st</sup>. Qom.
46. al-Mūsawī al-‘Āmilī, al-Sayyid Muḥammad (Ṣāḥīb al-Madārik). 1990/1411. *Madārik al-Aḥkām fī Sharḥ Sharā‘i‘ al-Islām*. Beirut: Mu’assasat Āl al-Bayt li Iḥyā‘ al-Turāth.
47. al-Mūsawī al-Bujnurdī, al-Sayyid Ḥasan. 1998/1419. *al-Qawā‘id al-Fiqhīyah*. Qom: Nashr al-Hādī.
48. al-Mūsawī al-Gulpāyegānī, al-Sayyid Muḥammad Riḍā. 1991/1412. *Al-Durr al-Manḍūd fī Aḥkām al-Hudūd*. Qom: Dār al-Qur’ān al-Karīm.
49. al-Mūsawī al-Gulpāyegānī, al-Sayyid Muḥammad Riḍā. 1992/1413. *Hidāyat al-‘Ibād*. Qom: Dār al-Qur’ān al-Karīm.
50. al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1995/1416. *Ṣirāṭ al-Nijāt*. 1<sup>st</sup>. Qom: Maktabat Nashr al-Muntakhab.
51. al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Al-Tanqīḥ fī Sharḥ al-‘Urwat al-Wuṭḥā*. 1<sup>st</sup>. Qom: Under the Supervision of Mr. Luṭfī.
52. al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 1997/1418. *Mawsū‘at al-Imām al-Khu‘ī*. 1<sup>st</sup>. Qom: Mu’assasat Iḥyā‘ Āthār al-Imām al-Khu‘ī.
53. al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. 2001/1422. *Mabānī Takmilat al-Minhāj*. Qom: Mu’assasat Iḥyā‘ Āthār al-Imām al-Khu‘ī.
54. al-Mūsawī al-Khu‘ī, al-Sayyid Abū al-Qāsim. n.d. *Mu‘jam Rijāl al-Ḥadīth*.
55. al-Mūsawī al-Khumaynī, al-Sayyid Rūḥ Allāh (al-Imām al-Khumaynī). 2004/1425.

- Tahrīr al-Wasīlah*. 21<sup>st</sup>. Qom. Mu'assasat al-Nash al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
56. Al-Muṣṭafawī, Ḥasan. 1981/1402. *Al-Taḥqīq fī Kalamāt al-Qur'ān al-Karīm*. Tehran: Markaz al-Kitāb lil Tarjumat wa al-Nashr.
57. al-Muzaffār, Muḥammad Riḍā. 2009/1430. *Uṣūl al-Fiqh*. 5<sup>th</sup>. Qom: Mu'assasat Ismā'īlīyān.
58. al-Najafī, Muḥammad Ḥasan. 1983/1404. *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām*. 7<sup>th</sup>. Edited by 'Abbās al-Qūchānī. Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī.
59. Al-Najjāshī, Aḥmad Ibn 'Alī. 1986/1407. *Rijāl al-Najāshī*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
60. Al-Narāqī, Aḥmad Ibn Muḥammad Mahdī (al-Fāzil al-Narāqī). 1994/1415. *Muṣṭanad al-Shī'a fī Aḥkām al-Sharī'a*. 1<sup>st</sup>. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
61. Al-Qāsimī Muḥammad Jamāl al-Dīn. 1997/1418. *Maḥāsīn al-Ta'wīl*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmīyah.
62. Al-Qurshī, Sayyid 'Alī Akbar. 1991/1412. *Qāmūs Qur'ān*. 6<sup>th</sup>. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyah.
63. Al-Rāghib al-Iṣfahānī, Husayn ibn Muḥammad ibn Mufaḍḍal. 1991/1412. *Mufradat Alfāz al-Qur'ān*. Beirut: Dār al-'Ilm- Dār al-Shāmīyah.
64. Al-Rāzī al-Najafī al-Iṣfahānī, MuḥammadNaqī. 2006/1427. *Tabṣīrat al-Fuqahā'*. Qom: Majma' al-Dhakhā'ir al-Islāmīyyah.
65. Al-Sabzawārī, al-Sayyid 'Abd al-A'lā. 1992/1413. *Muhadhdhab al-Aḥkām fī Bayān al-Ḥalāl wa al-Ḥarām*. 4<sup>th</sup>. Qom: Mu'assasat al-Manār.
66. Al-Sabzawārī, al-Sayyid Muḥammad Bāqir (al-Muḥaqqiq al-Sabzawārī). 2006/1427. *Dhakhīrat al-Ma'ād fī Sharḥ al-Irshād*. 1<sup>st</sup>. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.
67. Al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad Bāqir. 1987/1408. *Mabāḥith al-Uṣūl*. Qom
68. Al-Ṣadr, al-Sayyid Muḥammad. 2002/1420. *Mawarā' al-Fiqh*. Beirut: Dār al-Aḍwā'.
69. Al-Sahlānī, Ḥeydar. 2008/1387. *Fiqh al-'Atabāt al-Muqadisah*. 1<sup>st</sup>. Qom: Manshūrāt Dalīl Mā.
70. Al-Ṣāliḥī al-Māzandarānī, Ismā'īl. 2003/1382. *Sharḥ Kifāyat al-Uṣūl*. 1<sup>st</sup>. Qom.
71. Al-Sayfī al-Māzandarānī, 'Alī Akbar. 2004/1425. *Mabānī al-Fiqh al-Fa'al fī al-Qawā'id al-Fiqhīyat al-Asāsīyyah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā'at al-Mudarrisīn.
72. Al-Shahrakānī, Ibrāhīm Ismā'īl. 2009/1430. *Al-Mufīd fī Sharḥ Uṣūl al-Fiqh*. 1<sup>st</sup>. Qom.
73. Al-Ṣimarī al-Baḥrānī, Mufliḥ ibn Ḥasan. 2000/1420. *Qāyat al-Marām fī Sharḥ Sharā'ī' al-Islām*. Beirut: Dār al-Hādī.
74. Al-Siyūṭī al-Raḥībānī al-Ḥanbalī, Muṣṭafā ibn Sa'd. 1994/1415. *Maḥālib Ūlā al-Nuhā fī Sharḥ Ghāyat al-Muntahā*. 2<sup>nd</sup>. Al-Maktabat al-Islāmī.
75. Al-Subḥānī al-Tabrīzī, Ja'far. n.d. *Mawsū'at Ṭabaqāt al-Fuqahā'*. Qom: Mu'assasat al-Imām al-Ṣadiq.
76. Al-Ṭabātabā'ī al-Hā'irī, al-Sayyid 'Alī (Ṣāḥīb al-Rīyaḍ). 1997/1418. *Rīyaḍ al-Masā'il fī Taḥqīq al-Aḥkām bī al-Dalā'il*. Qom: Mu'assasat Āl al-Bayt li Iḥyā' al-Turāth.



77. al-Ṭabātabā'ī al-Ḥakīm, al-Sayyid Muḥammad Sa'īd. 1995/1416. *Hūrīyāt Fiqhīyah*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Mu'assissat al-Manār.
78. Al-Ṭabātabā'ī al-Ḥakīm, al-Sayyid Muḥsin. 1995/1416. *Muṣṭamsak al-'Urwat al-Wuthqā*. Qom: Mu'assasat Dār al-Tafsīr.
79. Al-Tabrīzī, Jawād. 2007/1428. *Tanqīh Mabānī al-Aḥkām-Kitāb al-Dīyāt*. 1<sup>st</sup>. Qom: Dār al-Ṣiddīqa al-Shahīda (S.A.).
80. Al-Tha'labī al-Nayshābūrī, Abū Ishāq Aḥmad ibn Ibrāhīm. 2001/1422. *Al-Kashf wa al-Bayān 'an Tafṣīr al-Qur'ān*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
81. al-Turayhī, Fakhr al-Dīn Ibn Muḥammad. 1995/1416. *Majma' al-Baḥrayn*. 3rd. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīyya li Ihya' al-Āthār al-Ja'farīyya.
82. Al-Ṭūsī, Abū Ja'far Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 2006/1427. *Kitāb al-Khilāf*. Qum: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
83. Al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1967/1387. *al-Mabsūt fī Fiqh al-Imāmīyya*. 3<sup>rd</sup>. Tehran: al-Maktabat al-Murtaḍawīya li 'Ihya' al-Āthār al-Ja'farīyah.
84. Al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1986/1407. *Tahdhīb al-Aḥkām fī Sharḥ al-Muqni'at lil Shaykh al-Mufīd*. Edited by Sayyid Ḥassan Khurāsānī. Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmīyya.
85. Al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 2006/1427. *Rijāl al-Ṭūsī*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī li Jmā'at al-Mudarrisīn.
86. Al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). n.d. *al-Fihriṣṭ*. Najaf: al-Maktabat al-Raḍawīyah.
87. Al-Ṭūsī, Muḥammad Ibn Ḥassan (al-Shaykh al-Ṭūsī). 1979/1400. *al-Nihāya fī Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatāwā*. 2nd. Beirut: Dār al-Kitāb al-'Arabī.
88. Al-Wijdānī Fakhr, Qudratullāh. 2005/1426. *Al-Jawāhir al-Fakhrīyat fī Sharḥ al-Rawḍat al-Bahīyat*. 2<sup>nd</sup>. Qom: Manshūrāt Samā' al-Qalam.
89. Al-Zarkashī al-Miṣrī al-Ḥanbalī, Shams al-Dīn Muḥammad ibn 'Abdullāh. 1992/1413. *Sharḥ al-Zarkashī*. 1<sup>st</sup>. Dār al-'Abkīyān.
90. Al-Zarkashī al-Miṣrī al-Ḥanbalī, Shams al-Dīn Muḥammad ibn 'Abdullāh. 1995/1416. *T'lām al-Sājīd bi Aḥkām al-Masājīd*. 4<sup>th</sup>. Edited by al-Marāghī, Abū al-Wafā Muṣṭafā. Cairo: Jumhūrīyat al-Miṣr al-'Arabīyat Wizārat al-Awqāf.
91. Al-Zuhaylī, Muḥammad. 1996/1417. *Al-Muhadhdhab fī Fiqh al-Imām al-Shāfi'ī li Abī Ishāq al-Shīrāzī*. 1<sup>st</sup>. Damascus: Dār al-Qalam.
92. 'Awdah, 'Abd al-Qādir. 1981/1402. *Al-Tashrī' al-Jinā'ī al-Islāmī fī al-Madhāhib al-Khamsat Muqārīnan bil Qānūn al-Waḍ'ī*. 2<sup>nd</sup>. Edited by Sayyid Ismā'īl al-Ṣadr. Qism al-Dirāsāt al-Islāmīyat fī Mu'assissat al-Bi'thah.
93. Badr al-Dīn, Abū al-Faḍl Muḥammad ibn Abī Bakr al-Asadī al-Shāfi'ī. 2010/1432. *Bidāyat al-Muhtāj fī Sharḥ al-Minhāj*. 1<sup>st</sup>. Jeddah: Dār al-Minhāj lil Nashr wa al-Tawzī'.
94. Bahjat Gīlānī Fūmanī, Muḥammad Taqī. *Jāmi' al-Masā'il*. 2005/1426. Qom: Daftar-i Ḥaḍrat-i Āyat Allah (The office of the Author).

95. Ibn Barrāj al-Ṭirāblusī, ‘Abdulazīz. 1985/1406. *Al-Muhadhab*. n.p. Mu’assasat al-Nash al-Islāmī li Jmā‘at al-Mudarrisīn.
96. Ibn Ḥazm, Abī Muḥammad ‘Alī ibn Aḥmad ibn Sa‘īd. 2001/1422. *Al-Muḥallā Sharḥ al-Mujallā*. 2nd. Edited by Aḥmad Muḥammad Shākir. Beirut: Dār Iḥya‘ al-Turāth al-‘Arabī.
97. Ibn Idrīs al-Ḥillī, Muḥammad Ibn Aḥmad. 1996/1410. *al-Sarā‘ir al-Ḥāwī li Tahḥīr al-Fatāwī*. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī li Jamā‘at al-Mudarrisīn.
98. Ibn Manzūr, Muḥammad Ibn Mukarram. 1993/1414. *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār al-Fikr lil Ṭibā‘at wa al-Nashr; Dār Ṣādir.
99. Ibn Muffiḥ, Burhān al-Dīn Ibrāhīm ibn Muḥammad. 1997/1418. *Al-Mubdi‘ fī Sharḥ al-Muqni‘*. 1<sup>st</sup>. Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmīyah.
100. Ibn Nu‘mān, Muḥammad Ibn Muḥammad (al-Shaykh al-Mufīd). 1992/1413. *al-Muqni‘a*. Qom: al-Mu’tamar al-‘Ālamī li Alfīyyat al-Shaykh al-Mufīd.
101. Ibn Nu‘mān, Muḥammad Ibn Muḥammad (al-Shaykh al-Mufīd). 1992/1413. *Kitāb al-Mazār*. Qom: al-Mu’tamar al-‘Ālamī li Alfīyyat al-Shaykh al-Mufīd.
102. Ibn Qudāmāh al-Maqdīsī, Muwaffāq al-Dīn Abū Muḥammad ‘Abdullāh b. Aḥmad b. Muḥammad. n.d. *Al-Mughnī wa al-Sharḥ al-Kabīr ‘Alā Matn al-Muqni‘ fī Fiqh al-Imām Aḥmad ibn Ḥanbal*. Beirut: Dār al-Fikr.
103. Ibn Qūliwayh al-Qommī, Abulqāsim Ja‘far ibn Muḥammad. 2019/1398. *Kāmil al-Ziyārāt*. 1<sup>st</sup>. Najaf al-Ashraf: Dār al-Murtaḍawīyah.
104. Ibn ‘Ābidīn, Muḥammad Amīn ibn ‘Umar ibn ‘Abd al-‘Azīz. 2007/1386. *al-Mukhtār ‘Alā al-Durra al-Mukhtār*. 2nd. Shirkat Maktabat wa Maṭba‘at Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī wa Awlādūhu bi Miṣr.
105. Ibn Fārs, Abī al-Ḥusayn Aḥmad. 1983/1404. *Mu‘jam Maqā‘īs al-Lughah*. Qom: Būstān-i Kitāb-i Qom (Intishārāt-i Daftar-i Tablīghāt-i Islāmī-yi Ḥawzi-yi ‘Ilmīyyi-yi Qom).
106. Ja‘farī Langarūdī, Muḥammad Ja‘far. 2015/1394. *Tirminuluzhī-yi Ḥuqūq*. Tehran: Ganj-i Dānish.
107. Jurr, Khalīl. 1996/1375. *Farhang-i ‘Arabī-Translation of the Book al-Mu‘jam al-‘Arabī al-Ḥadīth*. 5<sup>th</sup>. Translator: Sayyid Ḥamīd Ṭabībīyān. Tehran: Intishārāt Amīr Kabīr.
108. Maḥmūd, ‘Abd al-Raḥmān. n.d. *Mu‘jam Al-Muṣṭalaḥāt wa al-Alfāz al-Fiqhīyah*.
109. Makārim Shīrāzi, Nāṣir. 1997/1418. *Anwār al-Fiqāhat: Kitāb al-Ḥudūd wa al-Ta‘zīrāt*. Qom: Madrisi-yi Imām ‘Alī Ib Abī Ṭalīb.